

حادثه‌ها

#### دستگیری سارق منزل

● **شرق:** یکی از اعضای باند سرقت منزل که به اتفاق همدست متواری‌اش اقدام به سرقت اموال به ارزش تقریبی ۲۰ میلیارد ریال کرده است، دستگیر شد.
سردار علیرضا لطفی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ، در تشریح خبر گفت: اواخر بهمن سال گذشته یک فقره پرونده با موضوع سرقت منزل در خیابان آفتاب از کلاتری ۱۳۹ مرداران به اداره هفدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ دریافت شد. وی افزود: شاکی با حضور در اداره هفدهم اظهار کرد: من به اتفاق خانواده‌ام برای خرید از منزل‌مان که در طبقه اول یک ساختمان چهارطبقه است خارج شدیم و حدود ساعت ۹ شب به منزل بازگشتیم و با صحنه تخریب در ورودی و به‌هم‌ریختگی داخل منزل روبه‌رو و متوجه شدیم که طلاها، وجه نقد، دو ریموت کنترل خودرو گران‌قیمت جمعا به ارزش ۵۰۰ میلیون تومان به سرقت رفته است که بلافاصله با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتیم. این مقام ارشد انتظامی پلیس پایتخت در ادامه گفت: کارآگاهان با شنیدن اظهارات مالباخته راهی محل وقوع جرم شدند و در بررسی اولیه مشخص شد سارق یا سارقان با تخریب در ورودی وارد آپارتمان شده و در ادامه تحقیقات با بازبینی تصاویر دوربین مداربسته موجود در محل سرقت، چهره دو سارق جوان با اندام ورزیده به دست آمد که پس از سرقت با یک دستگاه خودروی ۲۰۶ متواری شده بودند. لطفی بیان کرد: کارآگاهان به‌دنبال شناسایی و دستگیری سارقان با بهره‌گیری از روش‌های علمی کشف جرم، موفق شدند یکی از سارقان را به نام «بابک ۳۰ساله» که دارای سه فقره سابقه مالخوری و سرقت منزل در سال‌های اخیر بوده، شناسایی کنند. وی افزود: با انعکاس اطلاعات به‌دست‌آمده به بازپرس شعبه هفتم دادسرای ناحیه ۲۴ تهران دستور دستگیری سارق و همدستش صادر شد که در اقدامات پلیسی مخفیگاه او در محدوده نظام‌آباد شناسایی و در یک عملیات پلیسی بابک دستگیر شد و در بازپرسی انجام‌شده از محل، اموالی شامل ادوات و ابزار آلات جرم، دو دستگاه تلغن همراه، دستگاه عیارسنج طلا، ۹ میلیون تومان وجه نقد که به‌صورت ماهرانه در سقف کاذب سرویس بهداشتی جاساز شده بود، کشف شد. سردار لطفی افزود: سارق در تحقیقات مقدماتی منکر هرگونه سرقتی شد، اما پس از یک هفته مقاومت در نهایت با دلائل و مدارک پلیسی لب به اعتراف گشود و ضمن قبول سرقت به اتفاق همدستش به نام فرزاد ۳۳ساله به شش فقره سرقت منزل در محدوده‌های شمالی شهر به شیوه تخریب در به ارزش دو میلیارد تومان اعتراف کرد. وی افزود: سارق در ادامه اعتراف‌اش گفت: من به اتفاق همدستم با پرسه‌زنی در ساعت آغازین شب در محدوده‌های شمالی شهر و با انتخاب سوزه‌های که خالی از سکنه بود، در یک فرصت مناسب وارد خانه می‌شدیم و با تخریب در ورودی آپارتمان اقدام به سرت اموال باارزش می‌کردیم و بلافاصله می‌گریختیم و اموال مسروقه را به مالخری در یکی از شهرهای مرکزی کشور می‌فروختیم و پول حاصله را صرف خوش‌گذرانی می‌کردیم. رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ افزود: کارآگاهان دستگیری همدست او را در دستور کار خود قرار دادند که پس از تحقیقات پلیسی مشخص شد فرزاد به یکی از شهرهای غربی کشور قرار کرده است که با هماهنگی قضائی او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت. سردار علیرضا لطفی در پایان گفت: با توجه به اقدامات بی‌وقفه همکارانم در معاونت مبارزه با جرائم سرقت‌های خاص پلیس آگاهی، یکی از اعضای این باند سرقت دستگیر و به جرم خود معترف شد و اقدامات پلیسی در راستای دستگیری همدست متواری او و خریدار اموال مسروقه و کشف سایر جرائم احتمالی دیگر همچنان ادامه دارد.

#### رهایی گروگان ۲۰ساله از چنگال گروگان‌گیران

● **با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی شهرستان میرجه‌اوه جوان** ۲۰ساله، پس از ۵۲ روز اسارت از چنگال گروگان‌گیران آزاد شد. سرهنگ حسن سرگزی در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه خبری پلیس، در تشریح جزئیات این خبر گفت: در پی وقوع یک فقره آدم‌ربایی ۲۰ اسفند سال قبل در یکی از مناطق شهرستان میرجاه، موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار پلیس آگاهی این شهرستان قرار گرفت. وی افزود: با حضور کارآگاهان پلیس آگاهی در محل و انجام تحقیقات میدانی، مشخص شد سه سرنشین یک دستگاه سواری پژو ۴۰۵ نقراه‌ای‌رنگ با سروسو‌رئی نوشیده، جوانی ۲۰ساله را با تهدید اسلحه کلاش سوار خودروی خود کرده و به‌سرعت از محل متواری شده‌اند. سرهنگ سرگزی اظهار کرد: تلاش تیم تحقیقات پرونده برای شناسایی گروگان‌گیران و رهایی این جوان ادامه داشت تا اینکه مأموران با جمع‌آوری سرخ‌خ‌های موجود و انجام یک سری اقدامات تخصصی به فردی که از مدت‌ها قبل بر سر مسائل مالی با پدر این جوان اختلاف داشت، مشکوک شدند. فرمانده انتظامی شهرستان میرجاه بیان کرد: مأموران پس از بررسی دقیق این موضوع و حصول اطمینان از دست‌داشتن این فرد در ربایش این جوان، پس از هماهنگی قضائی در عملیاتی ضربتی او را به محفیگاه‌اش دستگیر کردند. سرهنگ سرگزی افزود: با دستگیری این فرد و اعتراف او به بزه ارتكایی، دیگر عوامل گروگان‌گیری که خود را در چنگال قانونی می‌دیدند، روز گذشته مجبور شدند این جوان را پس از ۵۳ روز اسارت در ارتفاعات یکی از روستاهای شهرستان رها کرده و متواری شوند.

**شرق، مرجان لقایی:** سومین دور رسیدگی به پرونده قتل میترا استاد به دست محمدعلی نجفی، شهردار پیشین تهران، در حالی در دادگاه کیفری استان تهران به صورت علنی برگزار شد که این بار نجفی با ادبیاتی متفاوت، دفاعیات خود را مطرح کرد و از نقش یک نهاد امنیتی در به حاشیه کشیده‌شدن زندگی‌اش صحبت و از مردم، نظام و دستگاه قضائی به خاطر لغزشی که داشت، عذرخواهی کرد.

به گزارش خبرنگار ما، جلسه‌ای که صبح روز گذشته در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی مجید متین راسخ و دو قاضی مستشار دیگر (حسین‌زاده و ابراهیمی) برگزار شد، بیشتر به پرسش و پاسخ بین نجفی و متین راسخ گذشت و

افتخاری، نماینده دادستان نیز از توییت‌نویس‌های لس‌آنجلس‌نشین گفت و اینکه عمل نجفی باعث شده آنها قصد تضعیف نظام را داشته باشند.

در ابتدای جلسه رسیدگی، قاضی مجید متین‌راسخ توضیحی درباره پرونده داد و گفت: این پرونده یک بار در شعبه ۹ دادگاه کیفری استان تهران مورد رسیدگی قرار گرفت و متهم به قصاص نفس محکوم شد. رأی صادره مورد اعتراض قرار گرفت و شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور نیز آن را رسیدگی و نقض کرد و دوباره پرونده به شعبه ۹ بازگردانده شد. این بار متهم با توجه به دریافت رضایت از اولیای دم، یک بار دیگر در قتل عمد مجرم شناخته و به شش‌سال‌ونیم حبس و همچنین ۱۵ ماه حبس به جرم حمل سلاح غیرمجاز محکوم شد. در نهایت این حکم یک بار دیگر در شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور نقض شد و این بار به شعبه ۱۰ ارسال شد و حالا ما در این شعبه به این پرونده رسیدگی می‌کنیم.

وی سپس از اختاری، نماینده دادستان، خواست تا کیفرخواست را بخواند.

**نجفی وجه‌المصالحه چند میلیاردی پرداخت کرد**
نماینده دادستان در توضیح کیفرخواست گفت: محمدعلی نجفی، فرزند احمد، ۶۹ ساله و دارای مدرک کارشناسی از دانشگاه شریف و کارشناسی ارشد و دکترا از دانشگاهی در ماساچوست آمریکا و استاد دانشگاه شریف، متهم به قتل عمدی میترا استاد، همسر دوم خود است. نجفی که وضعیت مالی خوبی دارد، یک بار پیش از این قتل با خوردن ۲۰ عدد قرص کلونازپام خودکشی کرده بود؛ به همین دلیل وقتی به بازپرس ویژه قتل گزارش داده شد که قتل در برج دیولار منزل محمدعلی نجفی اتفاق افتاده و همسر دوم او به قتل رسیده است، بلافاصله بازپرس به محل رفت و با توجه به نامه برجای مانده، ظن به نجفی بیشتر شد و از آنجایی که با توجه به سابقه خودکشی او احتمال خودکشی داده می‌شد، تلاش شد او قبل از خودکشی بازداشت شود. همچنین مدارک دیگری از سوسو بازپرس به دست آمد و فیلم دوربین‌های مداربسته نشان می‌داد نجفی ساعاتی بعد از قتل، آپارتمان را ترک کرده است. او دو کیف نیز در دست داشت. همچنین زهرا نجفی، دختر محمدعلی نجفی که جسد را کشف کرده بود، مورد بازجویی قرار گرفت و دو کیف و یک نامه که متعلق به نجفی بود، در خانه او کشف شد. مطالب دست‌نوشته‌ای که محمدعلی نجفی برای دخترش نوشته بود، ظن خودکشی او را قوی‌تر کرد. ضمن اینکه او در آن نامه نوشته بود که مقتول مه‌ورالدم بوده و با افراد زیادی ارتباط داشته است. بررسی‌های بیشتر بازپرس نشان داد نجفی و میترا استاد به مدت هشت ماه به صورت صیغی و یک سال عقد دائم با هم زندگی کردند و در این مدت چندین بار درگیری فیزیکی با هم داشته‌اند. نجفی بعد از اینکه خودش را تسلیم پلیس کرد، گفت: میترا به من فحش می‌داد. او می‌گفت خانواده‌ات می‌کند و می‌گواست به خانواده‌ام آسیب وارد کند. روز حادثه بعد از اینکه اسلحه را مسلح کردم، وارد حمام شدم. میترا در حمام بود. یک بالش روی اسلحه گرفته بودم، وقتی بالش را کنار زدم و میترا اسلحه را دید، دستش را روی شانه من گذاشت و این‌طور بود که تیر اول را شلیک کردم و بعد هم تیرهای بعدی شلیک شد. میترا ترسیده بود و به من می‌گفت غلط کردم.

نجفی می‌گوید: بعد از اینکه تیر به میترا برخورد کرد و او کشته شد، من قصد خودکشی داشتم؛ اما قبل از آن به قم رفتم و قبر پدر و پدربزرگم را زیارت کردم و بعد به زیارت حضرت معصومه(س) رفتم. آنجا چند نفری من را شناختند. بعد از آن تصمیم گرفتم خودم را به پلیس معرفی کنم و از خودکشی منصرف شدم. ماشین کرایه کردم و در نزدیکی آگاهی شاپور پیاده شدم و به اداره آگاهی رفتم. نماینده دادستان گفت: نجفی مرتکب قتل زنی بی‌دفاع شده و بعد چندین میلیارد تومان بر اساس شنیده‌های ما پرداخت کرده تا رضایت بگیرد. با این مبلغ می‌شد تصاد شلیک بسیار زیادی از زندانیان جایی‌شهر را که سال‌هاست در زندان هستند و

تا دهه ۵۰ و ۶۰ زندگی منتظر قصاص می‌شوند، آزاد کرد؛ اما نجفی چون فرد ثروتمندی است، این مبلغ را داشته و پرداخت کرده است. البته گفته می‌شود بخشی مهریه مرحوم بوده است و ما چیزی دراین‌باره نمی‌دانیم؛ اما این شائبه ایجاد می‌شود که هرکسی پول داشت، می‌تواند همسر خود را بکشد. بنابراین من درخواست دارم اشد مجازات در نظر گرفته شود. نماینده دادستان از دادگاه درخواست کرد قرار وثیقه نجفی به بازداشت تبدیل شود. این در حالی است که نجفی همچنان در زندان است.

**عمل نجفی موجب سوءاستفاده توییت‌نویسان لس‌آنجلس‌نشین**

نماینده دادستان گفت: من در کیفرخواست آوردم که عمل نجفی باعث شده نظم جهانی به هم بریزد؛ اما وکیل متهم ادعا کرد یک قتل خانوادگی نمی‌تواند نظم جهانی را به هم بریزد. آقای نجفی و آقای گودرزی، من به شما می‌گویم عمل آقای نجفی باعث شد رسانه‌های لندن‌نشین و توییت‌نویسان لس‌آنجلس‌نشین جوسازی کرده و بخواهند نظام را ناکارآمد نشان دهند و ضعف مدیریتی نظام را نشان دهند؛ چراکه نجفی سال‌ها کارگزار نظام بوده است. او از طریق وکلایش مدعی شده است که میترا روابط نامشروع زیادی داشته، اما نتوانستند این ادعا را ثابت کنند. نجفی سه وکیل داشت؛ وکیل معزولش

وظیفه برهم‌زدن افکار عمومی را داشت، وکیل دومش تحقیقات را زیر سؤال برد و وکیل سومش هم احساسات را برانگیخت. دادستانی در موقع مناسب شکایت از وکیل متهم نجفی را به خاطر اظهاراتش انجام خواهد داد و این حق را برای خود قائل است.

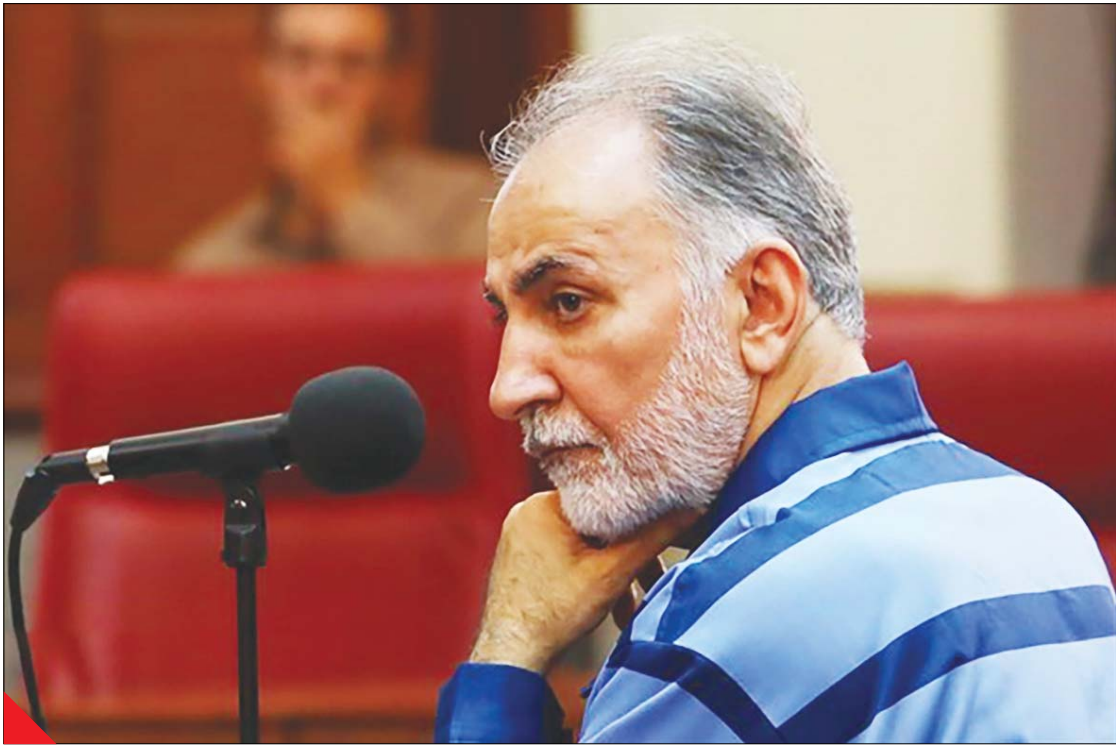
وی همچنین به مصاحبه نجفی در دادسرا اشاره کرد و گفت: دکتر شهریار، رئیس دادسرای جنایی، به آقای نجفی گفتند که نباید مصاحبه کنی، اما ایشان مصاحبه کرده و حرف‌هایی زده که مورد سوءاستفاده رسانه‌های لندن‌نشین قرار گرفته است.

وی گفت: با توجه به مدارکی که ارائه شده است، من درخواست اشد مجازات متهم را دارم و مجازات تکمیلی نیز شامل حال او می‌شود. در ادامه محمدعلی نجفی در جایگاه قرار گرفت؛ او اتهام قتل عمدی میترا استاد را نپذیرفت و گفت: من از سال ۶۰ که وزیر شدم، با توجه به ترورهای آن زمان نیروهای امنیتی سلاحی در اختیار من قرار دادند. سلاحی که میترا با آن کشته شد نیز یک سلاح بود اما من به عمد کاری نکردم و همه کارشناسان نیز گفته‌اند که شلیک‌ها مستقیم نبوده و من در حالت بی‌تعادلی مرتکب قتل شدم.

قاضی متین راسخ از نجفی پرسید: از چه زمانی سلاح را در دست گرفتید و چه زمانی آن را مسلح کردید و آخرین بار کی آن را تنظیم کردید. نجفی گفت: من از سال ۶۰ سلاح داشتم؛ تا ۱۵ سال قبل نیز تمرین می‌کردم، من دوره نظامی را در لبنان زیر نظر

### حوادث

## ناگفته‌های نجفی از دلایل قتل میترا استاد



شهید چمران که هم‌رزم هم بودیم، گذراندیم و کار با سلاح را به خوبی بلد بودم. سلاح ابتدا منزل همسر اولم بود. بعد از اینکه به طور کامل به خانه همسر دومم نقل مکان کردم، آن را در چمدان لباس‌هایم به خانه همسرم دومم آوردم. مسلح‌بودن آن را نمی‌دانستم و اصلا نمی‌دانم چه زمانی مسلح شد. کار تمدید مجوز آن و تنظیم را هم محافظان من انجام می‌دادند.

در این هنگام قاضی متین راسخ از نجفی خواست واقعیت را بگوید و گفت: شما سال‌ها کارگزار نظام بوده‌اید. برخی از مسائلی که مطرح می‌کنید، قبلاً نگفته‌اید حالا می‌گویید، این دنیا فانی است و اگر هم در این دنیا چندصباحی باشیم در آن دنیا باید پاسخ‌گو باشیم.

سپس از او خواست که دفاعیاتش را مطرح کند. نجفی گفت: قبل از اینکه جزئیات دفاعیاتم را بگویم در پاسخ به شما می‌گویم، همه ما باید صداقت داشته باشیم و من هم شما را دعوت می‌کنم به قضاوت عادلانه و خارج از مسائل سیاسی. من می‌خواهم به کشف حقیقت کمک کنم. نجفی گفت: من سلاح را در خانه پنهان می‌کردم، چون مهیار پسر میترا کنجکاو بود. من به میترا گفته بودم سلاح دارم اما توافق کردیم که به مهیار بگویم سلاح در خانه نیست چون وقتی ما در خانه نبودیم، او وسایل را می‌گشت و نمی‌خواستیم که آسیب ببیند. با این حال من هرگز سلاح را بیرون نیاوردم تا روز حادثه.

قاضی پرسید اختلاف شما و مقتول به چه دلیل بود؟ نجفی گفت: ما سر مسائل بنیادی با هم اختلاف داشتیم؛ مثلاً قبل از عقد دائم او با چادر به دیدار من می‌آمد اما بعد از عقد او با حجاب نامناسب با نظر من بیرون می‌رفت. بر سر مسائل اعتقادی هم بسیار با هم اختلاف نظر داشتیم. او گفته بود با من در دو اتاق هم زندگی می‌کند اما بعد که عقد کردیم، به من گفت هرچه همسر اولم و دخترم دارن، باید بگیرم و به او بدهم. از من ماشین پروه‌شی می‌خواست، خانه ۳۰۰ متری می‌خواست و مسائل دیگر را مطرح می‌کرد. من بارها گفتم من به زن اولم ظلم کردم، او خواسته میترا برای جدایی را نپذیرفت اما میترا اموال او را هم می‌خواست که بگیرد. من در برابر این خواسته مقاومت می‌کردم. به میترا گفتم باید از هم جدا شویم اما میترا قبول نکرد؛ گفت من شما را له می‌کنم. می‌گفت روی صورت دخترم و همسر اولم و نوه‌ام اسید می‌پاشد؛ به همین خاطر از امنیت آنها می‌ترسیدم. من با همسر اولم ۴۰ سال زندگی کردم و پنج بار سر هم داد ندیدم اما با میترا چندین بار درگیری فیزیکی داشتم. میترا حتی جاقو هم می‌کشید. این مسائل بود که باعث شده بود بخواهم از او جدا شوم.

قاضی گفت: شما هزارو ۳۶۲ سکه بهار آزادی مهریه میترا کردید در حالی که ۲۰۰ سکه مهریه

دخترتان است؛ چه دلیلی وجود داشت این‌کار را بکنید؟ آیا مسئله‌ای برای پنهان‌کردن داشتید که میترا با آن شما را تهدید می‌کرد؟ نجفی گفت: میترا به من می‌گفت همسر اول تو خیلی ثروتمند است. اگر ۵۰۰ سکه مهریه من بکنی او بعد از مدتی می‌گوید مهریه را می‌دهم. میترا را طلاق بده. او گفت به اندازه سال تولدم مهریه کنیم که دیگر همسر اولم نتواند درخواست طلاق میترا را بدهد. من از آسیب‌رسیدن به خانواده‌ام و آبروریزی خیلی نگران بودم چون او گفته بود در فضای مجازی آبروریزی راه می‌اندازد.

قاضی گفت: پس چرا بارها از یک نهاد امنیتی نام بردید؛ شما که می‌گویید مسئله شخصی بوده است؟

شما که از افراد رده‌بالا بودید، چرا باید این‌کار را می‌کردید؟ چرا چنین حرف‌هایی زدید درحالی‌که واقعیت نداشته است. نجفی گفت: بله؛ درست است. میترا با یک فرد امنیتی ارتباط داشت. او در واتساپ با آن فرد ارتباط داشت و فایل‌های صوتی من را می‌فرستاد. من نمی‌دانم آن فرد از طرف نهاد مأمور شده بود یا شخصاً این کار را می‌کرد اما من نمی‌توانم ثابت کنم. چون فایل‌ها در واتساپ فرستاده می‌شد. هیچ راهی برای اثباتش ندارم. اما می‌توانم مشخصات آن فرد را بدهم؛ آن فرد کاملاً قابل شناسایی است. نهاد امنیتی من را که ۴۰ سال در این نظام کار کرده‌ام حمایت می‌کرد نه اینکه زندگی شخصی من را رصد کند. نهادهای امنیتی باید از ما در برابر هجمه‌های خارجی محافظت کنند. من خطا کردم و این را قبول دارم. لغزش کردم اما از لغزش من استفاده و علیه من اقدام کرد. باز هم می‌گویم این اتفاقی افتاد.

قاضی گفت: چرا بحث مه‌ورالدمی را مطرح کردید؛ شما که می‌گویید به این اعتقاد نکشید؟ نجفی گفت: در دورانی که میترا صیغه من بود، متوجه شدم با همسر سابقش در یک خانه زندگی می‌کند. میترا گفت هیچ رابطه‌ای با او ندارد اما چون پرسش ناراحت من شود، چنین کاری کرده است. بعد از آن من به گفت روابط دیگری هم قبل از ازدواج با من داشته که همه را توبه کرده است.

قاضی گفت: اما شما نتوانستید این ادعاها را ثابت کنید؛ واقعیت را بگویید آقای نجفی. نجفی گفت: میترا بارها من را با خیانت تهدید کرده بود. از روابطی صحبت کرده بود اما من هرگز ندیدم او من خیانت کند؛ حتی اگر او مه‌ورالدم بود کشتن او کار من نبود که اجرا کنم. من اشتباهم را قبول دارم.

قاضی گفت: کسانی که شما معرفی کردید، همگی گفته‌اند با میترا ارتباط نداشته‌اند.

نجفی گفت: من بارها به بازپرس گفتم از میترا نقل قول می‌کنم. دو کارگردان را آوردند که یکی خیلی مطرح و مشهور است. من فقط در جلسه بازجویی یکی از آنها بودم. یک دیپلمات دیگر هم بود که بازپرس آرام به من گفت اطمینان دارد با او ارتباط داشته است. افراد دیگر که صحبت کردند، در حضور من به خواسته من نبود.

نجفی ادامه داد: میترا با من به مشهد آمد و توبه کرد، اما من را خیلی تهدید می‌کرد و آبروریزی‌ها باعث شده بود که من تصمیم بگیرم از او به صورت توافقی طلاق بگیرم. چون از عواقب جدایی بدون رضایت او آگاه بودم، حتی به یکی از بزرگان قوشان رنگ زدم و درخواست کردم او را رضی به هم جدا بجا بدم. پدرش رضایت داشت و گفت جدا شويد، اما میترا رضی نمی‌شد. حتی دیگر اعضای خانواده‌اش هم در جریان بودند که من درخواست جدایی دارم.

نجفی گفت: شلیک گلوله مستقیم نبوده و کمانه کرده است. من باز هم می‌گویم کمانه‌کردن عامل مرگ میترا بوده و حتی کارشناسان درخواست نیش قبر دارند، اما یک نکته را می‌خواهم تأکید کنم؛ اگر من گفتم به گذشته من توجه شود (اشاره نماینده دادستان در کیفرخواست) به این دلیل بود که اگر من فردی مؤثر و با عملکردی درست نبودم، تا این حد در جامعه التهاب ایجاد نمی‌شد و نمی‌گفتند نجفی چرا این کار را کرده است؟ این نشان از سابقه خوب من به اقدامات مثبتم در نظام دارد. من درخواست کردم به آنها توجه شود. من نگفتم قوه قضائیه به نفع من قضاوت کند. این یک برداشت بسیار اشتباه است. افرادی در شرایط من آزاد هستند، ولی وثیقه من را قبول نکرده‌اند. من درخواست دارم با این موضوع برخورد سیاسی نشود و کاملاً قضائی برخورد شود.

در ادامه، گودرزی، وکیل نجفی، در جایگاه قرار گرفت و دفاعیات خود را درباره کمانه‌کردن گلوله و نظر دیوان عالی کشور و همچنین نظر کارشناسان بیان کرد. در پایان نجفی برای بیان آخرین دفاع در جایگاه قرار گرفت و گفت: از روی عصبانیت وارد حمام شدم و قصد شلیک نداشتم، دوست داشتم قصاص شوم.

رخداد

#### ۷۰۰فقره سرقت فقط برای هیجان

● **شرق:** سارق حرفه‌ای داخل خودرو به بیش از ۷۰۰ فقره سرقت اعتراف کرد و گفت برای هیجان دزدی می‌کرده است. به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل در تماسی تلفنی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، وقوع یک فقره سرقت داخل خودرو به کلاتری ۱۰۷ فلسطین اعلام شد. با حضور مأموران کلاتری در محل و انجام تحقیقات اولیه مشخص شد سارق با یک دستگاه موتورسیکلت پالس NS اقدام به سرقت محتویات صندوق عقب و داخل کابین یک سواری پارک‌شده مقابل مجتمع مسکونی کرده است. پرونده به دستور بازپرس شعبه ششم دادسرای ناحیه ۶ تهران برای رسیدگی تخصصی به پایگاه سوم پلیس آگاهی ارجاع شد. مال‌باخته با حضور در پلیس آگاهی گفت: خودرو را برای مدت کوتاهی مقابل مجتمع مسکونی محل زندگی خود پارک کردم و پس از بازگشت متوجه سرقت اموال از قبیل یک دستگاه شارژر موبایل، تبلت و هارد اکسترنال به ارزش تقریبی هشت میلیون تومان شدم. او افزود: چندی پیش به پیشنهاد اعضای مجتمع اقدام به نصب دوربین‌های مدارسته در قسمت‌های ورودی مجتمع کردیم و در زمان سرقت، خودرو دقیقاً مقابل یکی از دوربین‌ها قرار داشت. کارآگاهان با بررسی تصاویر به‌دست‌آمده از دوربین‌های مداربسته، موفق به شناسایی یک دستگاه موتورسیکلت پالس ابی‌رنگ که شماره پلاک آن مخدوش بود شدند و مشاهده کردند سرنشین نسبتاً جوان آن اقدام به سرقت محتویات داخل کابین و صندوق عقب خودرو می‌کند. در ادامه پرونده‌ای مشابه با این تفاوت که سارق جوان از یک دستگاه موتورسیکلت مشک‌رنگ دیگری استفاده کرده بود، به پلیس آگاهی ارجاع شد. با تجزیه‌وتحلیل پرونده‌ها و جمع‌بند چند پرونده مشابه در سطح شهر تهران، کارآگاهان با یک‌سری اقدامات پلیسی موفق به شناسایی مالک موتورسیکلت‌ها شدند. در ادامه رسیدگی به پرونده، مالک موتورسیکلت که فردی میان‌سال بود، در محل سرکوتش دستگیر شد و گفت سه دستگاه موتورسیکلت را برای پرسش که ناصر نام دارد خریداری کرده و حدود یک ماه است که ناصر به منزل سر نزده است. با قوت‌گرفتن این احتمال که سرقت‌ها توسط ناصر صورت گرفته و با توجه به تصاویر به‌دست‌آمده از وی، کارآگاهان موفق به شناسایی مخفیگاه او در خیابان مولوی شدند و با هماهنگی بازپرس پرونده به یک عملیات غافلگیرانه وی را دستگیر کردند و در بازپرسی از مخفیگاه متهم موفق به کشف تعداد زیادی از انواع لوازم مسروقه از قبیل مدارک شناسایی، ساک ورزشی، کیف دستی، ابزار آلات، ده‌ها دستگاه ضبط خودرو و … شدند. سارق جوان در تحقیقات صورت‌گرفته به بیش از ۷۰۰ فقره سرقت اعتراف کرد و گفت: سرقت‌ها در مناطق مختلف شهر، به‌ویژه در محدوده‌های مرکزی شهر و خیابان‌های بهارستان و جامی و بازار تهران به تنهایی انجام داده‌ام و اموال مسروقه را به شش نفر مالخر می‌فروختم با در سایت خریدوفروش اینترنتی آگهی می‌کردم و پول حاصله را صرف خوش‌گذرانی می‌کردم. متهم گفت: هیچ‌گونه نیاز مالی برای انجام سرقت نداشتم و فقط برای هیجان سرقت می‌کردم. از حدود یک سال پیش بود که به‌واسطه پیشنهاد یکی از دوستان خود شروع به مصرف شیشه کردم. اوایل همه‌چیز جنبه تفریح داشت، اما به مرور به مصرف شیشه اعتیاد پیدا کردم، باوجوداین، نیاز مالی انگیزه‌ای برای انجام سرقت‌ها نشد، بلکه هرابا پس از مصرف شیشه و برای کسب هیجان بیشتر اقدام به سرقت می‌کردم.

#### فروش ماسک‌های سرقتی سارقان راه‌به‌دام انداخت

● **شرق:** ماسک‌های روده‌شده از صندوق عقب یک خودرو و فروش آنها، سارقان را به دام انداخت. سرهنگ کارآگاه حمداﷲ علیزاده، رئیس پایگاه هفتم پلیس آگاهی پایتخت، گفت: بیست‌وهفتم فروردین پرونده‌ای از عنوان سرقت صندوق عقب یک دستگاه خودروی سمند به‌همراه دستگیری یک متهم به نام جعفرید برای رسیدگی تخصصی از کلاتری ۱۰۹ بهارستان به پایگاه هفتم پلیس آگاهی ارجاع شد. وی ادامه داد: براساس اظهارات شاکی، او ساعت چهار بعدازظهر در حوالی میدان بهارستان خودروی خود را برای انجام کاری پارک کرد و در زمان مراجعت، متوجه شد در صندوق عقب تخریب شده و محتویات صندوق عقب که حاوی ۱۲ هزار عدد ماسک بهداشتی به ارزش تقریبی ۴۰۰ میلیون تومان بوده، به سرقت رفته است. سرهنگ علیزاده افزود: پس از ثبت اظهارات شاکی، پرونده برای ادامه رسیدگی به دایره مبارزه با سرقت لوازم و محتویات خودرو ارجاع شد و جمشید در بازجویی‌های انجام‌شده ضمن قبول کردن شاکی به کارآگاهان گفت: با تخریب قفل صندوق عقب خودروی شاکی اقدام به سرقت ماسک‌ها کردم که شش هزار عدد را به‌صورت خرده‌فروشی به افراد رهگذر فروختم و بقیه نیز در منزل همدستم به نام یاسر است. رئیس پایگاه هفتم پلیس آگاهی پایتخت با بیان اینکه کارآگاهان با بررسی سوابق متهم توجه‌شده‌اند و دارای چندین فقره سابقه دستگیری به جرم سرقت است، تصریح کرد: متهم در بازجویی‌های انجام‌شده به ۲۰۰ فقره سرقت لوازم و محتویات داخل خودرو به ارزش ۴۰۰ میلیون تومان با همدستی یاسرو مجید در محدوده خیابان‌های بهارستان، جمهوری، ایران و … نیز معترف شد.